



### واکنش وزارت خارجه به ادعای ترور يك مقام القاعده در ايران

سخنگوی وزارت خارجه درباره برخی گزارش‌های منتشرشده از سوی رسانه‌های خارجی مبنی بر ادعای ترور يك مقام گروه تروریستی القاعده در ایران، قویا هرگونه حضور اعضای این گروه در ایران را تکذیب و به رسانه‌های آمریکایی توصیه کرد در دام سناریوپردازی‌های هالیوودی مقام‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی نیفتند.
سعيد خطيب‌زاده با یادآوری

این‌که گروه تروریستی القاعده، زاده سیاست‌های غلط ایالات متحده و متحاندنش در منطقه بوده است، تأکید کرد؛ واشنگتن و تل آویو هر از چند گاهی برای شانه خالی کردن از مسوولیت اقدامات جنایت‌بار این گروه و دیگر گروه‌های تروریستی در منطقه، تلاش می‌کنند با دروغ‌پردازی و درز اطلاعات ساختگی به رسانه‌ها، ایران را مرتبط با چنین

حاشیه نگاری از ادامه برگزاری دادگاه محمد امامی؛ دادگاهی که هنوز می‌تواند ما را شگفت زده کند

# پیچیده‌تر از آنچه فکر می‌کنید

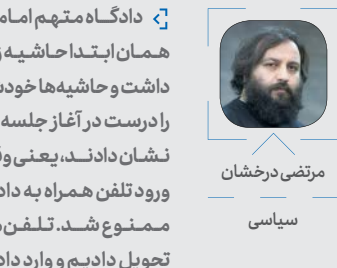
### وکیل تسخیری

اغلب ما با کلمه وکیل تسخیری مواجه شده‌ایم، اما ممکن است برخی تصویر درستی از این اصطلاح بین‌المللی نداشته باشند. به زبان ساده وکیل تسخیری یک وکیل مدافع(یا در مواردی هیات وکلای مدافع) است برای دفاع از کسانی که از عهده دفاع از خود یا گرفتن وکیل خصوصی در امور کیفری بر نمی‌آیند.

حالا ممکن است این مساله به بضاعت مالی برگردد یا شرایط اجتماعی طوری پیش برود که هیچ‌کس وکالت شخص مورد نظر را قبول نکند، به این ترتیب عملاً متهم بدون وکیل می‌ماند.

در کشور ما برای دسترسی یکسان همه به دادرسی عادلانه در اصل ۳۵ قانون اساسی آمده در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی، حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.

آنها که نمی‌توانند از وکیل خصوصی استفاده کنند از دادگاه درخواست کنند تا وکیل تعیین کند و اگر دادگاه تشخیص دهد



۱

دادگاه متهم امامی از همان ابتدا حاشیه زیاد داشت و حاشیه‌ها خودشان را درست در آغاز جلسه نهم نشان دادند، یعنی وقتی ورود تلفن همراه به دادگاه ممنوع شد. تلفن‌ها را تحویل دادیم و وارد دادگاه

شدیم. پیش از ما اما قهرمانی و امامی در جایگاه مخصوص به خود نشسته بودند با این تفاوت که قهرمانی از روی مدارک خودش می‌نوشت و امامی از روی مدارک خودش می‌خواند. شروع با تاخیر دادگاه اما یک شوک دیگر هم داشت؛ امامی بدون کریمی فارسی آمده بود و می‌گفت از او خبر ندارد. قاضی هم متلکی بار وکیل مدافع کرد که آماده دفاع نیست و فقط می‌چرخد و مصاحبه می‌کند. البته کریمی فارسی با کمی تاخیر آمد اما همان آندهای دادگاه نشست و قاضی به کل نوبت دفاع روز شنبه را از او گرفت.

### فرزان راد، حلقه گمشده

نهمین جلسه دادگاه، روز شنبه، دهم آبان، با احضار وکیل مدافع فرزام راد شروع شد؛ متهمی که از او در لحظات مهمی از این پرونده اسم برده شده، اما هیچ‌کس تصویر روشنی از او ندارد، همان‌طور که قهرمانی فرزام راد را جوری مفسد اقتصادی فراری معرفی می‌کند که دلت می‌خواهد با هزینه شخصی خودت بروی و این مفسد اقتصادی را کت بسته تحویل قانون بدهی، امامی جوری از او صحبت می‌کند که احساس می‌کنی کارآفرین و قهرمان اقتصاد است و باید در انتخاب چهره برتر سال به او رای بدهی! وکیل تسخیری آمد، ابتدا به شکل دفاعیات امامی و خطابه‌گویی و بی‌بنیه‌خوانی اعتراض کرد و سپس لایحه خودش را خواند، یک‌سری حرف عمدتاً تکراری در خصوص این‌که قانون ایراد دارد، قانونی که حداقل دادگاه در

### متهم و محبوب

آتلیا امبروش، سارق افسانه‌ای مجارستانی که قبل از سرقت‌های مسلحانه از بانک‌ها، آژانس‌های مسافرتی و ادارات پست حساسی می‌کرد یکی از شخصیت‌های محبوب ملت شکست خورده مجارستان پس از فروپاشی بلوک شرق بود. مردی عجیب، نامتعادل و البته سخت‌کوش و مرموز که یکی از تبهکاران شناخته شده محسوب می‌شد و مردم سال‌های شرت‌ها و ما‌گ‌ها و کلاه‌های نقابدار با طرح او را از مغازه‌دارها طلب می‌کردند.

البته امبروش تنها مورد از این تبهکاران محبوب نیست. شاید خیلی‌ها تاند کرزینسکی را نشناسند، اما معمولاً طراحی تصویر او را روی پیراهن آثارشپست‌ها یا حتی طبیعت‌گرایان دیده‌ایم، نابغه‌ای که برای

### رونمایی از مهدی محمدی

اگر مافیای بازی کرده باشید احتمالاً می‌دانید بعضی اوقات یک نفر در بازی هست که گره‌های زیادی را باز می‌کند. همه آدم‌ها در او تقاطع دارند و اگر گره او باز شود دست خیلی‌ها رو می‌شود. مهدی محمدی، یکی از تقاطع‌ها در پرونده امامی است.

شاید ندانید اما پرتعادترین ترکیب اسم و فامیلی ایرانی، مهدی محمدی است. اغلب ما حداقل یک نفر به این اسم می‌شناسیم یا یک نفر با این اسم دیده‌ایم. آنهایی هم که تجربه اسامی مستعار دارند می‌دانند حسینی و محمدی و امثال این اسامی پر تکرار باب خوراک اسم مستعار هستند، اما مهدی محمدی داستان ما مثل هیچ‌کدام از آنها که شما دیده‌اید، نبود. او کسی بود که به قول قهرمانی، مسؤول پخش هدایا و رشوه‌های امامی بود، ادعایی که هنوز حکم دادگاه را به عنوان پشتوانه ندارد.

مثل یک دانش‌آموز دبیرستانی دهه شصتی صورتی تراشیده و موهای کوتاهی دارد، کت و شلوار یک‌دست، شیک و سورمه‌ای‌اش را با پیرهن سورمه‌ای اتو خورده ست کرده اما برخلاف لباس پوشیدن‌اش موقع حرف زدن نامرتب و به‌هم ریخته است، وسط حرف‌هایش نفس کم می‌آورد و جمله‌ها را کامل ادا نمی‌کند، به خوبی روشن است از جایگاهی که در آن ایستاده می‌ترسد. قبول کنیم با سسی و یک متهم و کلی شاکی و وکیل در پشت سر، قاضی مسعودی مقام و کلی دوربین در روبه‌رو و در سمت راست، محمد امامی و در سمت چپ رسول قهرمانی، جایگاه متهم محل بسیار ترسناکی است که کمتر کسی خود را در آن نمی‌بازد.

انتظار می‌رفت رونمایی از محمدی دادگاه را به یک نفس نفس تازه هممان کند اما این دادگاه نشان داده که پرونده‌هایی هستند که دلشان نمی‌خواهد جلو بروند. عنوان اتهامی محمدی معاونت در جرم بود، به مشارکت! اما حرف‌های او از اول شروع شد، از اول‌تر از آنجا که فکرش را بکنید! محمدی از آنجا شروع کرد که روی پای خودش ایستاده و حالا دفتر و دستکی با انواع و اقسام خودروهای مدل بالا برای خودش دارد، قصه‌ای آشنا تعریف کرد از یادویی که حالا تمام ماشین‌فروش‌های تهران می‌شناسندش، یک کثیرالسفر که ساعت‌های گران‌قیمت دست می‌کند و در خیابان‌های بالای شهر می‌نشیند. ارتباطش با امامی به سال ۹۱ برمی‌گشت که سه میلیارد تومان ماشین از او خریده و با هم کار کرده‌اند.

یک روزی بابت چک‌های برگشتی امامی از او قیر گرفته و فروخته و از این کار خوشش آمده و وارد بازار قیر شده، برای امامی خانه، ساعت، ماشین و حتی برای خریداران خودروهایش سیمکارت هم می‌خریده و حتی زمانی که امامی مشکل نقدینگی داشته برایش پول جور می‌کرده است. خبزن‌گرا! انتظار یک دارکنتر مغز متفکر را داشتند. یک کارچاق‌کن توی مایه‌های وکیل مدافع ویتو کورلئونه در مجموعه پدرخوانده اما متهم داستان امروز فقط یک جیمی دهن‌لق به نظر می‌رسید که

وضع آن دخالتی نداشته است.

بعد هم گفت موکل او خارج از کشور است و حتی برادر متهم با او همکاری نکرده و خودش هم متهم را ندیده است. قهرمانی هم آمد و خیلی وقت وکیل را نگرفت. توضیحاتی در خصوص اتهامات داد، از گران نمایی ۵۰۰درصدی املاک گفت، تعدادی از پیام‌های فرزام را خواند، مقداری به بازی رسانه‌ای تیم امامی پرداخت و مداری که در د اعا‌های او در رسانه‌ها ارائه کرد. انگار همه چیز روی دور تند بود تا یکی از افرادی که بارها اسمش روی زبان‌ها آمده بود به جایگاه احضار شود و سرانجام لحظه‌ای که خیلی‌ها انتظار آن را می‌کشیدند، فرا رسید.

جلوگیری از پیشرفت تکنولوژی برای مراکز علمی بمب پست می‌کرد و سه نفر را کشت.

جنایتکاران دنیای مدرن خیلی به آدم بدهای دوران کلاسیک شباهت ندارند و شما می‌توانید چه در مخالفت با سیستم قضایی، چه در اعتراض به وضع جامعه، چه به هر دلیل دیگری در خلوت خودتان بعضی‌هایشان را دوست داشته باشید. هرچند در تمامی تجربه‌های قبلی که ذکر شد دست آخر این تبهکار بود که از چشم مردم افتاد و به سیاهچاله‌های نفرت مردم تبعید شد. واقعیت این است تبهکاری هیچ‌وقت محبوبیت ذاتی نمی‌آورد و تبهکارها آخر قصه همیشه محبوب نمی‌مانند.

و متهمی که در این دادگاه، توجه‌های زیادی را به خود جلب کرد، مهدی محمدی بود.

هرلحظه ممکن است همه چیز را لو بدهد!

جیمی اصطلاحی است برای جورکن‌ها که هر چیزی بخواهید برای شما در کسری از ثانیه رو می‌کنند، از آن آدم‌هایی که از پراید ۸۶ بدون رنگ در کویر لوت تا بلیت کنسرت بوچلی در میلان را در سریع‌ترین زمان ممکن فراهم می‌کنند و در همه‌جا آشنا دارند، همان‌هایی که دلالی می‌کنند و حالشان از این کار خوب است. همان‌هایی که هیچ‌وقت به نفر اول بودن فکر هم نمی‌کنند، فقط مثل فرفره می‌چرخند و تدارکات‌چی‌های محشری هستند.

همه به این نتیجه رسیدند که این بابا کارهای نیست، یک آدمی بوده که به‌خاطر این‌که یک قرانش را دو تومان بکند به هر دری زده، رئیس به او گفته ماشین بخر، خریده، گفته بفروش، فروخته! رشوه‌هایی هم که داده، نمی‌دانسته بابت چه چیز پرداخت می‌کند.

اما اینها تا زمانی بود که قهرمانی نشسته بود؛ از لحظه‌ای که قهرمانی بلند شد ورق برگشت و محمدی حرف‌های زد که نظر جمع نسبت به او تغییر کرد. از زیر بار خیلی چیزها رفت، خیلی ارتباط‌ها را روشن کرد، از جلسه‌ای صحبت به میان آورد که به روشنی رد پای امامی را وسط ضمانت‌نامه‌ها نشان می‌داد و به نظر می‌رسید که کار تمام است اما امامی هنوز هم منکر ارتباط این شرکت‌ها با خودش می‌شد.

از آن به بعد قهرمانی انگار محمدی را به‌عنوان کارشناس خودش منصوب کرد، در خیلی از نقاط دادگاه به او و اطلاعاتش استناد می‌کرد، به عنوان مثال برای اعلام قیمت املاک از محمدی می‌گرفت که از قضا محمدی هم اطلاعاتی که می‌داد علیه متهمان اصلی پرونده استفاده می‌شد. محمدی انگار یک ادوارد اسنودن در فرودگاه مسکو بود، کسی که در جلسات خصوصی حضور داشت و در حالی که عمر حمیدرضا حاجیان وکیل امامی به دادگاه او قد نداده بود، او دست پایین‌ترین متهمی به حساب می‌آمد که در جریان اغلب جلسات خصوصی و محرمانه‌های امامی قرار دارد و می‌تواند او را از دادگاه مستقیماً به بهشت یا به جهنم ببرد که البته به نظر می‌رسد بین فرو رفتن و فرو بردن گزینه دو را انتخاب کرده است.

البته این آدم مورد اعتماد امامی، دو دست لوازم اسکی هم برای امامی آورده بود که اعلام این‌که به جای دبی، از منبریۀ آنها را خریده خنده همه را به سمت سقف بلند دادگاه شلیک کرد، حتی امامی! در میان حرف‌های محمدی یک ادعا از اول تا آخر ثابت بود و حتی سوال‌های قاضی و قهرمانی هم در آن تأثیری نداشت، محمدی مدعی بود امین کریمی وجود دارد و خودش او را چند بار دیده است، ادعایی که قهرمانی به هیچ عنوان آن را نمی‌پذیرد و امین کریمی را یک شخصیت خیال‌پردازی شده می‌داند که قرار است به عنوان یک متهم فراری که همه چیز را برداشته و دررفته، خیلی‌ها پشت این اسم پنهان شوند.

### گره کور دادستانی

واقعیت این است که استناد مهدی محمدی در مورد وجود امین کریمی محکم‌تر از استدلال‌های قهرمانی از نظر عدم وجود چنین شخصی است. محمدی به خیلی چیزها تن داد و بسیاری از ادعا‌های قهرمانی را تایید کرد، جز این یکی که می‌گفت من خودم اولین بار او را در راهروهای شرکت نفت پاسارگاد دیدم و با او به رستوران رفتیم.

قهرمانی اما استدلال اصلی که بر عدم وجود چنین شخصی دارد نبود رد پای مالی از او در هیچ معامله‌ای چه در این پرونده و چه در غیر از این پرونده است. یک جایی از قهرمانی نقل شد که او فقط در معامله یک پراید دیده شده است.

می‌توان گفت و خندید که برآید امروز خیلی هم کالای گران‌قیمتی است اما اگر بپذیریم که قهرمانی در مورد امامی درست می‌گوید و او اینقدر رد پای خودش را در ضمانت‌نامه‌ها درست پاک کرده، قهرمانی هم باید بپذیرد که ممکن است یک امین کریمی وجود داشته باشد که ردپایش را بهتر از امامی پاک کرده باشد! چیزی که به‌زودی مشخص می‌شود، هر چند، اظهارات محمدی درخصوص جلسه‌ای با حضور امین کریمی، حاجیان، امامی و فرزان‌راد در دبی که سر ضمانت‌نامه‌ها به دعوا کشید جای پای روشنی است که ردپای این چند نفر را در پشت پرده ضمانت‌نامه‌های بدون پشتوانه نشان می‌دهد.

### کمی پیچیده‌تر از آنچه فکر می‌کنید

دادگاه بعد از ظهر با ادامه اظهارات محمدی دنبال شد، محمدی روان‌تر حرف می‌زد، کمتر مثل صبح نفس نفس می‌زد و انگار باری از روی دوشش برداشته باشند، با آرامش بیشتری در جایگاه حاضر شد. در جلسه بعد از ظهر حرف‌هایی زد که قهرمانی می‌گفت تکمیل حرف‌های صبحش است. قهرمانی می‌گفت در راهرو حرف‌های مهم‌تری از جلسه صبح زده و برای گفتن آنها به جایگاه آمده است.

حرف‌های مهم‌تری هم بود. از شخصی به نام المرسی نام برد که کارمند امامی بود، ولی کارهای امین کریمی و شرکت‌های ضمانت‌نامه بگیر بی‌پشتوانه را انجام می‌داد. از همکاری امامی و کریمی صحبت کرد، از این‌که در این همکاری امامی پشت پرده غندالی بوده، از املاک و خودروهایی که به نام همسر غندالی کرده، از نمایشگاه ساعت در سوئیس، از مسافرت‌هایی که برای کارهای امامی رفته و از پول جورکردن‌ها برای امامی، اما هرچه گفت زیر بار خیالی بودن امین کریمی نرفت.

خیلی از گره‌ها تا همین جا برای مخاطب باز شد و زونکن‌های تیم دفاع از امامی را تبدیل به کاغذپاره کرد. اما دادرسی این قدرها هم ساده نیست. اظهارات یک متهم پرونده علیه متهم دیگر آن هم در صحن دادگاه چه ارزشی دارد؟ شاهد اصلاً تشریفات خودش را دارد. این حرف‌ها به عنوان شهادت تلقی نمی‌شوند و نه‌تنها ممکن است متهمی دیگران را با خودش به زیر آب ببرد، حتی ممکن است جرم متهم دیگری را گردن بگیرد! دادگاهی عادلانه است که زیر بار اظهارات بی‌مدرک نرود.

هرچند وکیل متهم که بعد از او آمد، گفت موکلش در حال شفاف سازی است و فقط استرس دارد. او هم لایحه‌ای خواند و از این جبهه به دادگاه ورود کرد که موکلش جرم اقتصادی ندارد. کارهایی برای امامی انجام داده، ولی نه آن طوری که اخلاق در اقتصاد باشد. به زبان ساده‌تر این‌که یک کاری کرده که خوب نبوده، اما خیلی سخت نگیرد. اندازه جرم او به اندازه اتهامات وارده نیست. دنبال سود شخصی بوده، ولی با متهم ردیف اول وحدت قصد نداشته. وکیل محمدی بسیار فنی صحبت کرد و به نظر می‌رسید اگر در لایحه هر جمله را سه یا چهار بار ساده سازی نمی‌کرد، حداقل رسانه‌ای‌ها اغلب متوجه نمی‌شدند.

بعد از همه اینها هم گفت جرم انگاری نکنید، یک کمی در کنار متهم بایستید، شاید بتوان محمدی را تبرئه کرد. دعوا الان بر سر آدم‌هایی است که ضمانت‌نامه صادر و از آن سوءاستفاده کرده‌اند. محمدی هیچ کدام از این دو نیست و فقط برای رد کردن رد پای حساب‌ها از او استفاده کرده‌اند. البته قهرمانی اینها را رد کرد. می‌گفت پرویز نسترن تهرانی به محض دیدن محمدی گفته این همان کسی است که همه ما را بدبخت کرده، محمدی توی حرف قهرمانی پرید و پرسید من چکار کرده‌ام؟! اما همه دادگاه در ساکت شدن او متفق‌النظر بودند. ادامه دادگاه اما با ظهور پدیده‌ای جدید جذاب‌تر شد، متهم فاطمه شامانی!

گروه‌هایی به تصویر بکشدند. وی همچنین اظهار کرد: هرچند آمریکا در گذشته نیز از طرح هیج اتهام کذبى علیه جمهوری اسلامی ایران فروگذار نکرده، اما این رویکرد در دولت فعلى آمریکا تبدیل به يك روند دائمى شده و کاخ سفید تلاش کرده با تکرار چنین اتهاماتی در اجرای طرح ایران هراسی خود بیش از پیش گام بردارد. /ایسنا

